

۹
دور دوم جنگ
مجموعه پیام‌های تبیینی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۲

در صورت تحقق اقدام نظامی آمریکا، مجدداً وحدت ملی تقویت خواهد شد.

اتحاد برآمده از جنگ ۱۲ روزه به قدری سریع، گسترده و خودجوش رقم خورد که دشمنان ایران به وضوح فهمیدند با ملتی مواجه اند که هوشمندی بالایی دارد و در شرایط حمله، اولویت اول خود را بر حفظ اتحاد به مثابه زیرساخت تأمین قدرت قرار می‌دهد و به صورت کامل از نظام، حمایت میکند. به همین جهت آنها تلاش کردند تا این بار با برهم زدن اتحاد ملی، زمینه حمله را فراهم کنند تا نظام از حمایت ملت محروم بماند. اما این وحدت گرایی در شرایط جنگی، یک ویژگی هویتی در ملت ایران است که با پروژه های کوتاه مدت، تغییر نمیکند. تاریخ سرزمین ایران نشان میدهد که ایرانیان همواره در برابر نیروهای متخاصم و زورگو، ایستادگی کرده و در این مسیر، از ابزار وحدت استفاده کرده اند. لذا به لحاظ فرهنگ تاریخی، طیف های گوناگونی که در کشور هستند، به محض حمله دشمن خارجی، به سرعت تغییر موضع میدهند و همه در مسیر حفظ وطن تلاش میکنند.

امروز جامعه ایران در شرایطی قرار گرفته است که حاصل طراحی نقشه دشمن است، لکن هنوز دست دشمن به گونه ای رو نشده است که وحدتی فراگیر در سطح جامعه رخ دهد و یک روایت مشترک از حادثه پدید آورد. لذا در شرایطی که عده ای از مردم و نخبگان، دست دشمن را در انقافات گذشته نمی بینند، حمله آمریکا میتواند تکمیل کننده تکه پازل های قبلی باشد و ذهنیت عموم جامعه ایران را به این سو هدایت کند که آشوب ها و اغتشاشات اخیر با راهبری و هدایت خود آمریکا و همدستانش بوده است. به همین جهت به نظر میرسد در صورت وقوع حمله از جانب ایالات متحده امریکا، همانطور که در جنگ ۱۲ روزه، ملت ایران در یک روایت مشترک از دشمن قرار گرفت که آمریکا اهل مذاکره نیست و در اثناء مذاکره به ایران حمله کرده است، این بار نیز به روایتی مشترک میرسد که امریکا ابتداء وحدت ملی را سلب کرد تا بتواند با حمله نظامی، نظام کشور را ساقط کرده و به تجزیه بکشد.

تاریخی، طیف های گوناگونی که در کشور هستند،

به محض حمله دشمن خارجی، به سرعت تغییر موضع میدهند و همه در مسیر حفظ وطن تلاش میکنند.

پیام دهم

با حمله هوایی آمریکا، شفاف می شود که کشته‌سازی‌ها پروژه‌ای برای توجیه بین المللی بوده است.



پروژه کشته سازی دشمن در اتفاقات روزهای گذشته کشور، به منظور زمینه سازی بین المللی برای مشروعیت زدایی از نظام جمهوری اسلامی بوده است. بنا به قوانین بین المللی و ارتکازات عمومی، حکومت ضامن امنیت جان مردم است و هرگونه اتهامی در زمینه کشتار مردم

تهدید آنها به قتل، می تواند دستاویزی برای اصحاب قدرت و دیوان های بین المللی قرار گیرد که کشور متخلف را محکوم به تنبیه هایی از قبیل سلب حمایت و تحریم کرده و با یا شعار نجات ملت از دست حاکمیت، اقدام به حمله نظامی کنند.

این مسئله باتوجه به اخبار و گزارشاتی که احتمال حمله را مطرح میکنند، مهم تر میشود، چراکه آمریکا در جنگ ۱۲ روزه، دستمایه ای برای توجیه حملات نظامی خود علیه ملت و زیرساخت های کشور نداشت، اما طی روزهای اخیر با اجراء پروژه کشته سازی و اتهام کشتار مردم به نظام جمهوری اسلامی، تلاش کرده است تا دستگاه های تبلیغاتی خود را برای پوشش گسترده این رخداد هماهنگ کند و زمینه ای بین المللی برای توجیه حمله نظامی خود علیه کشور به وجود بیاورد تا در صورت لزوم، بتواند از این گزینه نیز استفاده کند.

اگرچه کشته سازی یک پروژه ضدحقیقت است و با پروپاگانداری رسانه ای به جامعه جهانی حقنه میشود، اما چنانچه دشمن در فعالیت های تبلیغاتی- رسانه ای خود، موفق شود این روایت را جا بیندازد که نظام جمهوری اسلامی، مردم خودش را کشته است، می تواند دستمایه ای قابل انکاء در سطح بین المللی قرار گیرد که حمله نظامی آمریکا به ایران را توجیه کند و جای ظالم و مظلوم را عوض کند.

۱۱
دور دوم جنگ
مجموعه پیام‌های تبیینی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۲

القاء کنندگان ضعف داخلی،مهمترین زمینه‌چینان اقدام نظامی برعلیه ایران هستند.



سیاسی و سیگنال های ضعف از درون ساختار مدیریتی کشور، دشمن را حریص و امیدوار می‌کند. همراهی برخی سلبریتی ها با عوامل دشمن و ایجاد فضای التهاب در کشور، برجسته سازی مشکلات و از طرفی کتمان عوامل اقتدار ملی در رسانه ها و جراید و پافشاری بر نقد های تخریب‌گرایانه نیز عواملی هستند که در حقیقت امنیت کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

القاء ناکارآمدی دستگاه های اجرایی و زدودن حس اعتماد مردم نسبت به حاکمیت و نهاد های دولتی و قضایی، امید مردم به اصلاح امور و همراهی آنها با نظام مستقر را از بین می‌برد. تشدید حس فساد و تبعیض و رانت خواری در جامعه، موجب تحقیر ملی می‌شود. دمیدن در آتش اختلافات قومی و قبیله ای و حزبی و صنفی نیز ارتباط مستقیم با تصویر اقتدار و امنیت کشور دارد. دشمن با نگاه به این مجموعه مولفه ها و متغییرها محاسبات خود را کامل می‌کند. در شرایطی که کشور تحت تهدید حمله دشمن اجنبی قرار دارد، کسانی که به اسم مردم و دلسوزی برای کشور، دستگاه های اجرایی و نظامی و امنیتی را تضعیف می‌کنند و به آنها اتهام های بی‌مورد می‌زنند، در واقع در حال ویران کردن پایه های امنیت مردم هستند. این سیگنال های ضعف درواقع سیگنال های حمله هستند. دست دشمن و تاثیرگذاری او در دمیدن در این فضا هم قابل کتمان نیست. اقدامات آنها اعم از فشارهای تحریمی و سیاسی و پروپاگاندا ی رسانه ای و نفرت پراکنی در تشدید این فضا نقش دارد. باید دقت داشت که چهره هایی که به اسم دلسوزی برای مردم و صدای مردم شدن، دائماً در حال باس آفرینی داخلی و امیدآفرینی در ذهن سرویس های بیگانه هستند، مهم ترین زمینه چینان برای تجاوز اجنبی به خاک کشور در شرایط فعلی می باشند.

پیام دوازدهم

اجتماعات تاریخی در روز ۲۲ دی ماه، تیم ترامپ را دچار سردرگمی کرده‌است.

در جریان نا آرامی های اخیر ایران، سران کاخ سفید با تصور اینکه تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی، بدنه مردمی نظام را دچار چالش جدی کرده و میتوان با تشدید آشوب ها و رادیکال کردن فضا، زمینه را برای تجاوز نظامی فراهم کرد، وارد کارزار شدند. اما با مقابله هوشمندانه نیروهای امنیتی، بخشی از برنامه آنها به هم ریخت اما همچنان روی عدم همراهی مردم با نظام حساب ویژه باز کرده بودند. پس از آن که در روزهای ابتدایی شروع اعتراضات در ایران، رئیس جمهور امریکا با اظهار نظرهایی رسمی، اعلام نمود که تحولات ایران را به صورت جدی دنبال می کند و در شرایطی که لازم باشد با حمله نظامی وارد میدان خواهد شد.

اما در روزهای گذشته ترامپ با تغییر لحنی آشکار از موضع دیگری سخن می گوید. وی اعلام داشته است که؛ "به ما گفته شد که کشتار در ایران متوقف شده است و هیچ برنامه‌ای برای اعدام وجود ندارد." و یا این که در گفتگوی با رویترز ابراز داشت؛ "رضا پهلوی خوش قیافه و دوست‌داشتنی به نظر می‌رسد، اما در توانایی او برای جلب حمایت در داخل ایران برای به دست گرفتن قدرت تردید دارم". این تغییر مواضع پیش از هرچیز نشان دهنده تعمیق سردرگمی و ابهام در تصمیمات کاخ سفید در قبال ایران است.

در این میان فارغ از ناکامی های میدانی آشوب طلبان و تیم های تروریستی، اجتماعات حماسی و تاریخی مردم ایران در ۲۲ دی ماه، تعیین کننده ترین پاسخ به این تصورات اشتباه دشمن در روزهای اولیه بود. این اجتماعات سراسری نوعی پاسخ ملت به توطئه‌های دشمنان به ویژه آمریکا و مزدوران داخلی آنها بود و نشان داد که قدرت مردمی در برابر فشارهای خارجی مقاومت می‌کند. این حضور مردم، محاسبات آنها را دچار تغییر کرد و آنها با سردرگمی و تشدید اختلاف مواجه ساخته است که اظهار نظرهایی متناقض دولتمردان و در راس آن رئیس جمهور امریکا، نمودی از اختلالات به وجود آمده است.

پیام یازدهم

القاء کنندگان ضعف داخلی،مهمترین زمینه‌چینان

اقدام نظامی برعلیه ایران هستند.



سیاسی و سیگنال های ضعف از درون ساختار مدیریتی کشور، دشمن را حریص و امیدوار می‌کند. همراهی برخی سلبریتی ها با عوامل دشمن و ایجاد فضای التهاب در کشور، برجسته سازی مشکلات و از طرفی کتمان عوامل اقتدار ملی در رسانه ها و جراید و پافشاری بر نقد های تخریب‌گرایانه نیز عواملی هستند که در حقیقت امنیت کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

القاء ناکارآمدی دستگاه های اجرایی و زدودن حس اعتماد مردم نسبت به حاکمیت و نهاد های دولتی و قضایی، امید مردم به اصلاح امور و همراهی آنها با نظام مستقر را از بین می‌برد. تشدید حس فساد و تبعیض و رانت خواری در جامعه، موجب تحقیر ملی می‌شود. دمیدن در آتش اختلافات قومی و قبیله ای و حزبی و صنفی نیز ارتباط مستقیم با تصویر اقتدار و امنیت کشور دارد. دشمن با نگاه به این مجموعه مولفه ها و متغییرها محاسبات خود را کامل می‌کند. در شرایطی که کشور تحت تهدید حمله دشمن اجنبی قرار دارد، کسانی که به اسم مردم و دلسوزی برای کشور، دستگاه های اجرایی و نظامی و امنیتی را تضعیف می‌کنند و به آنها اتهام های بی‌مورد می‌زنند، در واقع در حال ویران کردن پایه های امنیت مردم هستند. این سیگنال های ضعف درواقع سیگنال های حمله هستند. دست دشمن و تاثیرگذاری او در دمیدن در این فضا هم قابل کتمان نیست. اقدامات آنها اعم از فشارهای تحریمی و سیاسی و پروپاگاندا ی رسانه ای و نفرت پراکنی در تشدید این فضا نقش دارد. باید دقت داشت که چهره هایی که به اسم دلسوزی برای مردم و صدای مردم شدن، دائماً در حال باس آفرینی داخلی و امیدآفرینی در ذهن سرویس های بیگانه هستند، مهم ترین زمینه چینان برای تجاوز اجنبی به خاک کشور در شرایط فعلی می باشند.

۱۳
دور دوم جنگ
مجموعه پیام‌های تبیینی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۲

تنها راه دفع قطعی تهدید از ایران، قوی شدن است.

جمهوری اسلامی در برخورد با حمله‌ی احتمالی آمریکا، ابزارهای نظامی و سیاسی و اجتماعی و مردمی خود را فعال و ان شا الله با نشان دادن قدرت و اراده‌ی خود بر آمریکا، از هویت ملی ایرانیان صیانت خواهد کرد. سوالی که در این مسیر، ذهنیت و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌کند، این است که افق و آینده‌ی این منازعه چیست و این منازعه تا کی ادامه خواهد یافت. واقعیت آن است که آمریکا دولت‌ها و جوامع را آنقدر مورد ضربه‌های سیاسی، اقتصادی، روانی، ادراکی و نظامی قرار می‌دهد تا خسته شوند و تن به تسلیم بدهند و این‌طور وانمود می‌کند که غیر از تسلیم، هیچ راهی پیش روی کشورها وجود ندارد. بخشی از نیروهای سیاسی و فکری درون کشور نیز بر همین برآورد سیاسی تأکید می‌کنند و کم‌هزینه‌ترین مسیر را تسلیم شدن می‌دانند. این‌که هزینه‌ی تسلیم شدن به مراتب بیشتر از مقاومت کردن است، مصادیق متعدّدی دارد و در جای دیگری باید به آن پرداخته شود، اما گفتمان مقاومت را باید در بستری یک طرح کلان ایجابی مطرح کرد تا افق منازعه‌ی سیاسی ایران و آمریکا ترسیم شود.

رهبر انقلاب، امسال، در بیاناتی که به مناسبت ۱۳ آبان و برای تبیین مبارزه با استکبار داشتند، آینده‌پژوهی درگیری ایران و آمریکا را این‌طور مطرح کردند و اصرار داشتند که «آینده‌ی نزدیکی» را در این افق باید پیش ببریم؛ «بعضی می‌پرسند خب آقا! حالا ما در مقابل آمریکا تسلیم نشدیم؛ آیا رابطه هم با آمریکا تا آخر ابد نخواهیم داشت؟ تا ابد مثلاً با آمریکا مخالفت خواهیم داشت؟ جوابش این است که اولاً ذات استکباری آمریکا بجز تسلیم چیز دیگری را قبول نمیکند؛ این را همه‌ی رؤسای جمهور آمریکا می‌خواستند ولی به زبان نمی‌آوردند؛ این رئیس‌جمهور فعلی به زبان آورد؛ گفت باید ایران تسلیم بشود. این در واقع آن باطن آمریکا را لو داد. تسلیم شدن یک ملت، آن هم ملتی مثل ایران، با این‌همه توانایی، با این‌همه ثروت، با این سابقه‌ی فکری و کم‌هزینه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر را تسلیم شدن می‌دانند،

بخشی از نیروهای سیاسی و فکری

درون کشور نیز بر همین برآورد سیاسی تأکید می‌کنند و کم‌هزینه‌ترین مسیر را تسلیم شدن می‌دانند،

پیام چهاردهم

محدود بودن پنجره فرصت امریکا برای تغییر در ایران، موجب تعجیل ای آن‌ها شده‌است.

آمریکا در حال حاضر نه به دنبال جنگ گسترده با ایران است و نه توان این گونه درگیری را دارد. اگرچه آمریکا از سیاست‌های تحریمی و فشارهای محدود استقبال می‌کند، اما یک جنگ وسیع می‌تواند هزینه‌های انسانی، مالی و سیاسی فراوانی برای آنها به همراه داشته باشد. از سوی دیگر شرایط داخلی و سیاسی امریکا و رژیم صهیونیستی موجب شده است تا هسته قدرت در ایالات متحده و شبکه صهیونیستی برای پیشبردن تصمیمات خود در قبال غرب آسیا، بلوک مقاومت و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران، تعجیل فراوانی داشته باشند. از نظر نظامی، ایران دارای توانایی‌های دفاعی و موشکی پیشرفته است که می‌تواند در صورت درگیری، هزینه‌های سنگینی برای نیروهای آمریکایی و متحدانش در منطقه وارد کند و این چیزی است که در عمل در جنگ ۱۲ روزه به اثبات رسید. مساله جنگ اقتصادی آمریکا با چین اقتضاء می‌کند که آمریکا خودش را از درگیری در جنگ های پر هزینه و زمانبر کنار بکشد و این چیزی است که نه تنها در سند امنیت ملی آمریکا، به آن اشاره شده بلکه بخش زیادی از بدنه رای ترامپ در حزب جمهوری خواه و خود جریان MAGA این مطالبه جدی را دارند. مسلمانا انتخابات پیش روی آمریکا در سال ۲۰۲۶، برای ترامپ و جریان همسواوبسیار حیاتی است.

مساله برگزاری جام جهانی ۲۰۲۶ فوتبال در آمریکا نیز یک مولفه کلیدی است که نیازمند برقراری امنیت و ثبات کامل در این کشور و حتی در جهان است. از نظر توان لجستیکی و نظامی نیز آمریکا زمینه های چنین جنگ گسترده ای را در خاورمیانه ایجاد نکرده است و این زمینه ها نیازمند صرف هزینه و زمان است که آمریکا در هردو این موارد، دچال محدودیت است. تجربه ونزوئلا نیز نشان داد که آمریکا از عملیات ها و اقداماتی پشتیبانی می‌کند که سریع، کم هزینه و قابلیت دستاوردسازی بالا را داشته باشند. چیزی که در ظاهر عملیات آنها در ونزوئلا به نمایش گذاشته شد و اجرای عملیات هایی از این دست در ایران به شدت برای آنها چالش برانگیز خواهد بود.

مسأله دیگر نیز وضعیت داخلی و اجتماعی امریکا و مخالف شدید شهروندان آن برای مداخله جوئی نظامی امریکا بر علیه ایران است. به گزارش نشریه پولیتیکو، نظرسنجی دانشگاه کونینبیاک از رأی‌دهندگان آمریکایی نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از آنها با هرگونه دخالت نظامی آمریکا علیه ایران مخالفند و می‌گویند که اقدامات ترامپ در خارج از کشور زیاده‌روی است. در مقابل، فقط ۱۸ درصد با چنین اقدامی موافقت.

پیام سیزدهم

payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

پیام اول	مطرح کردن «حمله» از سوی آمریکا، نشان‌دهنده‌ی بنیه‌ی مردمی جمهوری اسلامی است.
پیام دوم	در صورت تحقق حمله آمریکا، او فریب عملیات روانی خودش را خورده است.
پیام سوم	هدف امریکا از حمله احتمالی، برداشتن موانعی امنیتی از جلوی پای مزدوران داخلی است.
پیام چهارم	اقدام نظامی آمریکا، شعبده بازی برای تسخیر و تسلیم آذهان عمومی است.
پیام پنجم	اپوزسیون به دلیل عدم برخورداری از پایگاه اجتماعی، حمله‌ی مستقیم را از آمریکا گدایی می‌کنند.
پیام ششم	با تکرار ترورها، طرح غرب در ایران پیش نخواهد رفت.
پیام هفتم	برای مقابله با سناریوی احتمالی آمریکا، مشارکت مردمی در محلات ضروری است.
پیام هشتم	آمریکا به توهم ایجاد درس عبرت سایر کشورها ی مستقل ایران را هدف قرار می‌دهد.
پیام نهم	در صورت تحقق اقدام نظامی آمریکا، مجدداً وحدت ملی تقویت خواهد شد.
پیام دهم	با حمله امریکا، شفاف می‌شود که کشته‌سازی‌ها پروژه‌ای برای توجیه بین المللی بوده است.
پیام یازدهم	القاء کنندگان ضعف داخلی، مهمترین زمینه‌چینان اقدام نظامی برعلیه ایران هستند.
پیام دوازدهم	اجتماعات تاریخی در روز ۲۲ دی ماه، تیم ترامپ را دچار سردرگمی کرده است.
پیام سیزدهم	تنها راه دفع قطعی تهدید از ایران، قوی شدن است.
پیام چهاردهم	محدود بودن پنجره فرصت امریکا برای تغییر در ایران، موجب تعجیل ای آن‌ها شده است.

۱۴

دور دوم جنگ؛

حمله احتمالی آمریکا

مجموعه پیام‌های تبیینی
پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مطرح کردن «حمله‌ی مستقیم» از سوی آمریکا، نشان‌دهنده‌ی بنیه‌ی مردمی جمهوری اسلامی است.

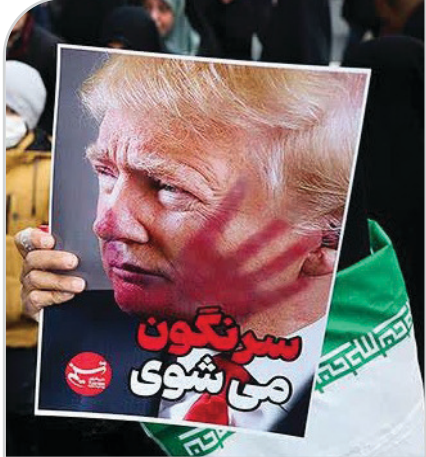
مطرح شدن گزینه‌ی حمله‌ی مستقیم نظامی از سوی دولت آمریکا از جنبه‌ها و زوایای مختلفی قابل بررسی است و دلالت‌های مهمی را می‌توان از آن استنتاج کرد. چنین تصمیمی از سوی دولت آمریکا، چه واقعاً تحقق یابد و چه فشار روانی و رسانه‌ای بر مردم و کارگزاران سیاسی کشور باشد، نشان‌دهنده‌ی وجود بنیه‌ی مردمی و پشتیبانی اجتماعی از حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی است. آرایش فضای اجتماعی ایران به گونه‌ای است که تغییرات موردنظر آمریکا نمی‌تواند در یک روند طبیعی پیش برود، شتاب پیدا کند و اهداف مورد نظر آمریکا را تأمین نماید. آمریکا اگر بتواند سیاستی را از طریق مدیریت جنبش‌های اجتماعی در یک کشور پیش ببرد، به اقدامات پرهزینه‌ی نظامی و اقتصادی دست نمی‌زند. به خصوص با توجه به مفاد سند امنیت ملی آمریکا که اخیراً منتشر شده است، ورود مستقیم آمریکا در پرونده‌های مختلف منطقه‌ی غرب آسیا جزو اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا محسوب نمی‌شود.

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، تجربه‌های متعددی از کودتای نرم را در کشورها و جوامع مختلف دنبال کرده و استاد بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای مهندسی نرم جوامع است. در شکل‌های اخیر استعمار «اشغال سرزمین ذهن» جامعه در مقایسه با «اشغال جغرافیایی» اهمیت مضاعفی یافته است، زیرا با هزینه‌ی بسیار کمتری نسبت به سایر اشکال استعمار، جوامع را تسلیم سیاست‌های آمریکا می‌کند. در این راستا، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانشی روان‌شناسی اجتماعی، علوم اجتماعی و تکنولوژی هوش مصنوعی، توان آمریکا برای مدیریت افکار عمومی جوامع را به شدّت بالا برده است. با نظر به این ملاحظات، استفاده از گزینه‌ی «حمله‌ی نظامی مستقیم» به معنای آن است که ابزارهای مهندسی نرم و مدیریت افکار عمومی ایران پاسخگوی نیاز آمریکا نبوده و آمریکا این‌طور تشخیص داده که به یک محرّک نظامی نیازمند است. مقایسه‌ی وضعیت ایران با کشورهای دیگری که موضوع کودتای نرم آمریکا بوده‌اند، سرمایه‌ی اجتماعی بالای حاکمیت سیاسی در ایران را نمایان می‌کند. اگر سرمایه‌ی اجتماعی حاکمیت پایین بود و پیوند مردم با نظام سیاسی ضعیف بود، ابزارهای نرم به تنهایی برای پیشبرد اهداف آمریکا کافی بود و استفاده از ابزارهای سخت و پذیرش هزینه‌ی نظامی، اقتصادی و سیاسی آن هیچ توجیهی نداشت.

پیام دوم

در صورت تحقق حمله آمریکا، او فریب عملیات

روانی خودش را خورده است.



سرنگون می‌شوی

سرنگون می‌شوی

جنگ ۱۲ روزه و دخالت مستقیم آمریکا، تجربه ای بود که به دشمن اثبات کرد، جنگ سخت نظامی علیه ایران و جمهوری اسلامی، نه تنها نمیتواند تهدید موثری برای بقاء نظام باشد، بلکه رابطه ملت ایران با یکدیگر و حاکمیت را تقویت نیز میکند و در چنین شرایطی، آمریکا نمیتواند با یک جنگ محدود و سریع، به هدفش برسد و در نتیجه ناچار میشود در برابر افکار عمومی و قوانین بین المللی پاسخگو باشد. لذا دشمن به منظور برهم زدن وحدت ملی ایرانیان و حمایت عمومی آنها از نظام جمهوری اسلامی و به منظور کاهش هزینه

حمله احتمالی آمریکا، نشان میدهد که آنها چیزی از ملت ایران نمی‌دانند که فکر میکنند با عملیات فیزیکی که در میدان و سپس روایت رسانه ای خود به پا کردند، توانسته اند جامعه ایران را در مقابل نظام قرار دهند.

های جنگ و به دست آوردن مشروعیت حقوقی و مقبولیت عمومی، به سراغ طراحی یک پروژه داخلی رفت تا با اجراء تاکتیک کشته سازی و پوشش رسانه ای آن با محوریت ظلم حاکمیت به ملت، حمایت ملی ایرانیان از حاکمیت را سلب کرده و مردم را در مقابل نظام قرار دهد تا هنگام حمله، از جانب آنها پشتیبانی شود و توجیهی بین المللی برای اقدام نظامی علیه ایران پیدا کند تا از جانب سایر ملت‌ها و دولت‌ها، متمد به حمله متجاوزانه نشود. حضور مردم در ۲۲ دی ماه، انعکاس شکست نتیجه دشمن بود، انعکاسی که رهبری درباره آن نوشتند: «ملت عظیم الشان ایران، امروز کار بزرگی انجام دادید و روزی تاریخی آفریدید. این اجتماعات عظیم و سرشار از عزم راسخ، نقشه دشمنان خارجی را که قرار بود به دست مزدوران داخلی پیاده شود، باطل کرد». بنابراین حمله احتمالی آمریکا، نشان میدهد که آنها چیزی از ملت ایران نمی‌دانند که فکر میکنند با عملیات فیزیکی که در میدان و سپس روایت رسانه ای خود به پا کردند، توانسته اند جامعه ایران را در مقابل نظام قرار دهند و کشور را به ضعیف ترین حالت خود برسانند.

هدف آمریکا از حمله احتمالی، برداشتن موانع امنیتی از جلوی پای مزدوران داخلی است.



بحران سازی داخلی در آن دنبال کرده اند، امریکا انتظارات خاص تری را از اقدام نظامی احتمالی خود متصور است.

نحوه درک دشمن از درگیری مستقیم، تمرکز بر مراکز و محل خاص و مؤثری دارد که در سامان دادن به آشوب های روزهای گذشته مؤفقیت آمیز عمل کرده اند. دشمن در شرایط فعلی، امکان و توان عملیاتی به غیر از این نوع طرح ریزی ندارد. دشمن با این حملات بیشتر از آتی که قصد تصرف مستقیم کشور توسط توان نظامی خود را داشته باشد، تمایل دارد با این حملات هسته های مزدور داخلی خود را برای ناامن سازی و سپس فروپاشی کشور وارد میدان کند و از طریق آنها به خواسته های دست یافتنی خود برسد. دشمن برای همراه سازی جامعه، هزینه های بسیاری را متحمل شده است و به علت آگاهی تاریخی و تمدنی ملت ایران، هنوز نتوانسته است همراهی مردم با خود را بدست آورد. در مقابل بخش قابل توجهی از ملت ایران، آگاه به اهمیت ساختن و محافظت از کشور توسط خودشان هستند و از هرگونه مقاومت مردمی در برابر تجاوز داخلی حمایت می کنند.

پیام چهارم

اقدام نظامی امریکا، شعبده بازی برای تسخیر و

تسلیم اذهان عمومی است.



تجربیات عملیات های اخیر ارتش امریکا که عموماً با کمک توان تکنولوژی در اختیار آنها محقق شده است، نشان می دهد نوع رفتارهای آنها، از یک درگیری بلند مدت و پرهزینه به یک ورود سریع و ویژه که نوعی خارق العادگی عملیات را نمایش می دهد تغییر یافته است. کشور آمریکا و

اسرانیل خیلی روی بهت جامعه از این عملیات های خاص حساب باز کرده اند. در واقع نمایش حمله و تسلط به جای حمله و تسلط واقعی جا زده می شود و ملت ها باور می کنند که در مقابل قدرت بالای آنها امکان هیچ گونه مقاومتی ندارند.

اما تجربیات نشان داده که اولاً امکان جنگ گسترده را نداشته و در جنگ‌های واقعی به شدت آسیب پذیر و قابل شکست داده شدن هستند و به غیر از هزینه های بسیار بالا و تخریب جایگاه جهانی آنها چیزی نصیب آنها نمی شود. لذا عملیات های را تعریف می کنند که هرچند نظامی هستند و مبتنی بر فناوری اجرا می شوند، اما هدف این عملیات ها شکست واقعی در میدان نبرد نیست، بلکه هدف عملیات روانی و تغییر ذهنیت ملت برای مقابله با دشمن است و شکل گیری یک دشمن قدرقدرت که امکان مقاومت در برابر آن نیست، هدف این نوع از عملیات ها است. در واقع با کمترین هزینه بیشترین منفعت را با از بین بردن مقاومت مردم بدست می آورند. تجربه نشان داده است که گرفتار نشدن جامعه و مردم از این شعبه بازی دشمن، نیاز به یادآوری تجربیات میدانی در جنگ های واقعی آنها دارد که چگونه این کشورها در جنگ‌های واقعی ضعیف و قابل شکست دادن و حداقل ناتوانی آنها برای غلبه بر اراده های ملت‌ها هستند.

کشور آمریکا و اسرانیل خیلی روی بهت جامعه از این عملیات های خاص حساب باز کرده اند.

پیام پنجم

سلطنت طلبان و مجاهدین خلق به دلیل عدم برخورداری از پایگاه اجتماعی، حمله‌ی مستقیم را از آمریکا‌گدایی می‌کنند.

یکی از زشت‌ترین اتفاقاتی که وطن‌فروشان ایرانی، از جمله سلطنت‌طلبان و مجاهدین خلق و ... طی سال‌های اخیر رقم زده‌اند، مطالبه از دولت آمریکا برای حمله‌ی مستقیم نظامی به مردم ایران است. چنین مطالبه‌ای حتّی از سوی برخی از شخصیت‌ها که ضدّیت و مرزبندی شقّافی با جمهوری اسلامی دارند ولی در عین حال تعلّق به میهن و مردم را کم‌کان حفظ کرده‌اند، با واکنش‌های تندّی همراه بوده است؛ زیرا اوج بی‌وطنی و بی‌ریشه‌بودن و نفرت آن‌ها از ایران و مردم ایران را تصویر می‌کند. این رفتار ضدّایرانی را از جنبه‌های مختلفی می‌توان بررسی کرد که یکی از آن‌ها «وضعیت پایگاه اجتماعی» نیروهای معارض جمهوری اسلامی است. واقعیت آن است که نیروهای معارض جمهوری اسلامی پایگاه اجتماعی در ایران ندارند و از ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در ایران ناامید هستند. نیروهای معارضی که در دی ماه ۱۴۰۴شانه به شانه‌ی رژیم صهیونیستی و آمریکا به میدان مبارزه با جمهوری اسلامی آمده‌اند، اگر اندک امیدی به پایگاه اجتماعی و مردمی در ایران داشتند، مبارزه‌ی سیاسی و اجتماعی را برای ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی خود استمرار می‌بخشیدند.

مطالبه‌ی حمله‌ی مستقیم از یک قدرت بیگانه، غیر از آن‌که بی‌آبرویی آن‌ها در افکار عمومی مردم ایران را تشدید خواهد کرد، بی‌نسبتی و بیگانگی آن‌ها با جامعه‌ی ایران را تصویر می‌کند. البته این بی‌نسبتی و بیگانگی را می‌شود در سایر مواضع آن‌ها نیز جستجو کرد. وقتی بازمانده‌ی خاندان پهلوی در پاسخ به این سوال که آیا پس از براندازی، قصد زندگی در ایران را دارد، پاسخ منفی می‌دهد و در توهم «حاکمیت بر ایران، بدون زندگی در ایران» به سر می‌برد، میزان انقطاع و گسست از هویت ایرانی را می‌توان متوجّه شد. در این زمینه، اشاره‌ای به نهضت امام خمینی از حیث مقایسه خالی از لطف نیست؛ امام خمینی برای سرگونی رژیم پهلوی به هیچ قدرّت بیگانه‌ای متوشل نشد و از هیچ عنصر یا ساختاری بیرون از جامعه‌ی ایران کوچک‌ترین کمکی نخواست. نهضت امام خمینی به طور کامل بر ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی و مردمی متمرکز بود و همه‌ی اهتمام خود را بر ایجاد زیرساخت معرفتی و ادراکی جامعه‌ی ایران سوق داد. تمایز امام خمینی با خاندان پهلوی در مواجهه با جامعه‌ی ایران به این دلیل است که امام خمینی عصاره‌ی هویت ملّی ایرانی است و خاندان پهلوی به کُلی بیرون از این دایره قرار دارد.

پیام ششم

با تکرار ترورها، طرح غرب در ایران پیش نخواهد

رفت.



ترورها و کودتاها شاید برای تغییر حکومت ها و نشاندن دست نشانده های خود برای چپاول ملت ها موثر باشد. اما برای ملت ایران این گزینه به دلایل مختلف ممکن نیست. برای ملت ایران ترورها، بخشی از سناریو جنگ و ویرانی ایران هستند. در واقع ترور ها برای حذف عناصر موثر در میدان مقابله با استعمار است تا استعمار با هزینه کمتر، خسارات بیشتری را به کشور و ملت وارد آورد. همه می دانند که در جنگ ها، سرنوشت جنگ روی زمین مشخص می شود و حتی جمعیت و گروه کوچکی مانند حماس با ترور فرماندهان تسلیم نشد و سرنوشت

جنگ غزه درروی زمین با مقاومت مردم و گروه های مبارز مشخص شد.

علت سرمایه گذاری امریکا و اسرانیل بر روی ترور، بیشتر برای خالی کردن جرأت و شجاعت مردم برای مقاومت در برابر استعمار است. در واقع ماهیت ترور، ایجاد ترس و رعب است و اگر جامعه ای از ترور واهمه نداشته باشد، و بر خداوند و نیروی ایمان مردمی تکیه داشته باشد، دشمن از حربه خلع سلا می شود و نقشه اش، نقشی بر آب می شود. حضرت امام خمینی(ره) در مقابله با این حربه دشمن از ابتدای انقلاب، همواره به ملت یادآوری می کرد که این نظام و این کشور بر روی افراد بنا نشده است که با رفتن افراد از بین برود و برعکس توقعات دشمن از این حربه در جهت مخالف استفاده کرد و کشتن افراد ملت را باعث پیداری بیشتر مردم دانست و آن را مایه مقاومت بیشتر ملت در برابر تجاوز خارجی معرفی کرد.

پیام هفتم

برای مقابله با سناریوی احتمالی امریکا، فعال سازی قدرت و مشارکت مردمی در محلات ضروری است.



دشمن با همه خیال پردازی ها و کنده گویی هایش، امکان عملیات در نقاط گسترده و پراکنده که وظیفه تأمین امنیت ملت ایران را برعهده بگیرند ندارد و اگر بخواهد با هسته های پراکنده تأمین امنیت در میان مردم برخورد کند این مواجهه بر علیه خودش شده و اساساً امکان همراه سازی مردم ایران را از دست می دهد.

بر این اساس لازم است، اگر احیاناً آمریکا و اسرانیل توهم حمله به ایران و به هم ریختن نظم و امنیت ایران را در اقصی نقاط کشور پیدا کرده اند، با یک آرایش مردمی در محلات، و ایجاد یک قدرت منتشر در کشور، تخیلات آنها را برای به هم ریختن ایران از بین ببرند. لازم است این حضور میدانی مردم در کل محلات، مجموعه ها، ... در اقصی نقاط کشور، قبل از شروع حمله باشد، تا هم بخشی از این توهم را برهم بزند و هم آمادگی های قبل از تجاوز در جامعه برای دفاع از کشور مستقر و تثبیت شده باشند. در این وضعیت اگر حمله ای باشد، امکان به هم ریختگی جامعه حداقل شده و نیروهای نظامی با فراغ بیشتر می توانند پاسخ مناسب را به دشمن بدهند.

اگر احیاناً امریکا و اسرانیل توهم حمله به ایران و به هم ریختن نظم و امنیت ایران را در اقصی نقاط کشور پیدا کرده اند، با یک آرایش مردمی در محلات، و ایجاد یک قدرت منتشر در کشور، تخیلات آنها را برای به هم ریختن ایران از بین ببرند.

پیام هشتم

آمریکا به توهم ایجاد درس عبرت سایر کشورهای

مستقل ایران را هدف قرار می دهد.



آمریکا می خواهد ملت ایران را درس عبرتی برای سایر ملت ها و کشورها کند تا کسی در جهان جرأت مواجهه و مقابله با استعمار آنها را نداشته باشد. بعد از فروپاشی بلوک شرق، امریکا رهبر جهان و نظم جدید جهانی شد و تقریباً تمام کشورها اربابی امریکا را برای جهان پذیرا شدند. در این میان یک انقلاب و یک کشور به صورت صریح

ادعای استقلال از بلوک شرق و غرب را کرد و نخواست که زیر یوغ این کشورها قرار بگیرد. از همان زمان ابتدای انقلاب تا کنون، امریکا هرچه در توان داشته است برای از بین بردن این انقلاب و نظام به کار برده است و با تاکید بر هزینه فایده که داشته انواع و اقسام تهاجم ها و تحریم ها را بر علیه این کشور رقم زده است.

استقامت و پایداری ملت ایران در برابر این تهاجمات در طول زمان یک فضایی را در میان ملت ها جهان برای استقلال خواهی واقعی بوجود آورده که عملاً در حال پراکنده شدن در میان تعداد زیادی از ملت های جهان است و این گسترش فکر مقاومت، به مانند یک ایده بسیار مهلک برای استعمار تلقی می شود و عملاً دست آنها را از غارت منابع کشورهای مختلف جهان کوتاه خواهد کرد. لذا مواجهه از بین بردن ایران، نه فقط برای رسیدن به منافع استعماری بلکه برای از بین آید و فرهنگ مقاومت و استقلال خواهید در میان ملت ها مختلف جهان است تا کشور و ملتی به خود این اجازه را ندهد که به فکر استقلال و حاکم شدن بر سرنوشت خود باشد.

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴

مجموعه پیام‌های نبیی پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴